

## روح القدس کیست؟ درس ۱۰: رفتار کردن در روح دکتر سینکلر بی. فرگوسن

وقتی از خدا صحبت می‌کنیم، گاهی مسیر فکری ما می‌ره به نام‌ها و عنوان‌هایی که خدا به خودش داده یا نام‌هایی رو در کلام مقدّس خدا می‌بینیم که توسط کسانی که به خدا اعتماد دارن، بهش داده شدن. پس درباره‌ی برخی از عناوینی فکر می‌کنیم که به پدر، نسبت داده شدن. و اغلب، در کتاب‌های الهیاتی، همین موارد رو درباره‌ی خداوند عیسی هم پیدا می‌کنین. کارهای عیسی در قالب عنوان‌هایی که بهش داده شدن، شرح داده می‌شن.

عیسی، پیامبر، کاهن و پادشاه هست. اون مسیحا موعود هست. عیسی خداوند هست. اون پسر انسان هست. و عناوینی از این قبیل رو داره. ما این عنوان‌ها رو خیلی برای روح القدس به‌کار نمی‌بریم، ولی می‌شه درباره‌ی روح القدس هم این‌طوری فکر کرد. و در اصل، هرچند شاید شما در درس‌های قبلی که داشتیم به این موضوع، خیلی توجه نکرده باشین، ولی ما درباره‌ی سری کاملی از لقب‌هایی که می‌تونیم به روح القدس بدیم، مطالعه می‌کردیم.

ما می‌تونیم بگیم اون روح آفریننده هست. و برخی از سروده‌های کلیسایی، بعضی از سروده‌ها در زبان لاتین، این حقیقت رو بیان می‌کنن، *veni creator spiritus*. بیا ای روح القدس، بیا. هم‌چنین درباره‌ی روح القدس در مقام باز آفریننده هم آموختیم، یعنی کسی که نظم رو به بی‌نظمی وجود ما میاره، کسی که پُری رو به ما که خالی هستیم، عطا می‌کنه. روح القدس، آفریننده و باز آفریننده هست. و درحقیقت، ما وقت زیادی رو صرف مطالعه و تفکر درباره‌ی روح القدس، در مقام روح عیسی مسیح خداوند، کردیم.

به شیوه‌های مختلفی بررسی کردیم و دیدیم که چه‌طور ارتباط روح القدس با خداوند عیسی مسیح، و مکاشفه‌ای که خداوند عیسی از روح القدس به ما می‌ده، ما رو یاری می‌کنه که ارتباط خودمون رو با روح القدس و کاری که روح القدس در ما انجام می‌ده، درک کنیم. برای همینه که، من احتمالاً هر یک‌شنبه بارها این کلمات پولس رو از رساله‌ی دوم به قرنتیان ۱۳ : ۱۴، تکرار می‌کنم که می‌گه: "فیض عیسی خداوند و محبت خدا [پدر] و شرکت روح القدس با جمیع شما باد." دوستی و مشارکت با روح القدس، یعنی ما باید اونو بشناسیم و دوستش داشته باشیم.

برای دوست داشتن انسان‌ها، باید بفهمیم اون‌ها چه کسانی هستن. و برای این کار، مردم رو توصیف می‌کنیم و بهشون لقب و عنوان می‌دیم. و این موضوع برای روح القدس هم صدق

می‌کنه. عیسی دربارهی روح القدس با زبانی شیوا صحبت می‌کنه و بهش عنوان پاراکلیت الهی رو می‌ده، یعنی کسی که عیسی اونو همراه ما و یاور می‌می‌نامه. پس اینم یکی دیگه از عناوین روح القدس هست. روح القدس، یاور هست.

ولی یک لقب دیگه هم هست که تا الآن و در حدود همین دو دقیقه که از برنامه گذشته، بارها به‌کار بردم که البته در موردش صحبت نکردیم. روح القدس، روح قدّوس هست. وقتی می‌گیم روح القدس، روح قدّوس هست، منظورمون چیه؟ خب راستش، منظورمون اینه که روح القدس، در ذات خودش، پاک و مقدّس هست. روح القدس در قدّوسیت مطلق پدر و پسر و روح القدس، شریک و هم‌ذات هست.

درحقیقت، گاهی اوقات که به کلمات فصل ۶ کتاب اشعیا فکر می‌کنیم که در ستایش ملکوتی در کتاب مکاشفه هم تکرار شدن، متوجّه می‌شیم که می‌تونیم اونا رو در حوزه‌ی تفکر به تثلیث اقدس هم به‌کار ببریم، یعنی پدر قدّوس، پسر قدّوس و روح قدّوس. روح القدس در ذات خودش مقدّس هست. بنابراین می‌شه در ادامه‌ی این مقوله این‌طور گفت که همه‌ی کسانی که در مشارکت با روح القدس زندگی می‌کنن، باید مقدّس باشن. نه‌تنها همین، بلکه کار عظیم روح القدس که قبلاً چیزهایی ازش فهمیدیم، اینه که زندگی نابه‌سامان و سقوط کرده و گناه‌آلود ما رو می‌گیره و دوباره خلق می‌کنه تا خودش که توسط خداوند عیسی در زندگی ما فرستاده شده، قدّوسیت رو داخل زندگی ما کنه.

و در این برنامه، می‌خوام باهم نگاهی به عبارتی در اول فصل ۸ از رساله‌ی پولس به رومیان بندازیم، و به‌ویژه یک آیه از رساله‌ی پولس به رومیان فصل ۸ که این نظریه رو بیان می‌کنه که روح خداوند به ما عطا شده تا قدّوسیت رو در ما خلق کنه. یادتون هست که پولس در فصل ۷ همین رساله و در آیات ۱۴ تا ۲۵، با مسیحیان روم صحبت می‌کنه و از مشکلات و دشواری‌هایی می‌گه که در زندگی مسیحی، سر بر میارن. مسیح به‌وسیله‌ی ایمان، در ما ساکن می‌شه، ولی درعین‌حال، گناه هم به سکوتش در ما ادامه می‌ده. و تا زمانی که این واقعیت برای ما مصداق داره، تنش‌های زندگی مسیحی رو محدود می‌کنه. دشواری‌های زندگی مسیحی رو محدود می‌کنه.

پولس بخشی از این دشواری رو بیان می‌کنه و می‌گه: "وای بر من که مرد شقی‌ای هستم! کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟ خدا را شکر می‌کنم به‌وساطت خداوند ما عیسی مسیح." بعد در فصل ۳ توضیح می‌ده که چگونه در این زندگی، هرچند هنوز کامل نیستیم، روح القدس به ما قدرت می‌ده تا در قدّوسیت، و همچنین درنهایت در شباهت مسیح، رشد کنیم. خدا پسرش رو برای رستگاری ما فرستاد و الآن هم روح القدس رو بر ای پاکی و تهذیب ما می‌فرسته.

و برای همین، ما رو تشویق می‌کنه تا ذهن خودمون رو نه برپایه‌ی جسم، بلکه برپایه‌ی روح خدا مرتب کنیم، چون دیگه از لحاظ تسلط جسمانی، دیگه در جسم نیستیم.

بلکه الآن دیگه ما وارد یک اتحاد و مشارکت با مسیح شدیم و در روح، زندگی می‌کنیم. اگر یادتون باشه، پولس به غلاطیان می‌گه: "اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار بکنیم." ولی این رو هم فراموش نمی‌کنه که ما هم‌چنان گناهکار باقی می‌مونیم. بنابراین در رساله به رومیان، فصل ۸، آیات ۱۲ تا ۱۴، می‌گه: "بنابراین ای برادران، مدیون جسم نیستیم تا برحسب جسم زیست نماییم. زیرا اگر برحسب جسم زیست کنید، هرآینه خواهید مرد. لکن اگر افعال بدن را به وسیله‌ی روح بکشید، همانا خواهید زیست. زیرا همه‌ی کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند، ایشان پسران خدایند."

حالا شما اهمیت این عبارت رو درک می‌کنین و بعد به این موضوع خواهیم پرداخت. ما فرزندان خدا هستیم. ما بچه‌های خدا هستیم. اگر ما به این خانواده تعلق داشته باشیم، پس بالطبع باید به شیوه‌ای زندگی کنیم که در شأن این خانواده باشه. وقتی بچه‌های شما بزرگ می‌شن و نخستین گام‌های مستقل بودن رو برمی‌دارن، شاید برن خونه‌ی یکی از دوستانشون و شما هم اونا رو کناری می‌کشین و بهشون می‌گین: «خب اینا که جزو خانواده‌ی ما نیستن؛ یادت باشه ما از چه خانواده‌ای هستیم. ما که نمی‌دونیم فلانی توی خانه چه رفتاری داره و از چه خانواده‌ای هست و این جور چیزها. ولی یادت باشه که تو از چه خانواده‌ای هستی. تو به ما تعلق داری. پس مطابق جایگاه یک عضو از این خانواده رفتار کن و اهمیت نده که خانواده‌های دیگه که باهاشون رفت‌وآمد می‌کنی، چه‌طوری رفتار می‌کنن.»

این همون چیزی هست که پولس در این‌جا می‌گه. «حالا شما فرزندان خدا هستین و روح خدا به شما عطا شده، پس مانند کسانی زندگی کنین که روح خدا در اونا ساکن هست.» یکی از مصداق‌های این روش، اینه که شما همواره چیزهایی رو به مرگ بسپارین و نابود کنین که به شیوه‌ی زندگی خانواده‌ی جدید شما، تعلق ندارن. و این موضوع، یکی از نکات جالب این قضیه هست.

راستش این یکی از ویژگی‌های شخصیتی پولس هست که این عبارات رو می‌گه و شما هم به‌نوعی می‌خواهین توجهش رو جلب کنین و می‌گین: «خیلی خوبه که تو این عبارتها رو می‌گی، اگر به وسیله‌ی روح القدس، به مرگ سپرده بشی و اعمال جسم، باقی بمونن، ولی گویا برام توضیح ندادی که حالا من چه‌طور می‌تونم این کار رو انجام بدم.» وقتی من می‌خوام چنین سوألی بپرسم، کاری که باید انجام بدم، اینه که سرم در کتاب مقدس باشه، روی آیات پیرامون این

عبارت، تمرکز و تعمق کنم و شما هم همیشه متوجه می‌شین که وقتی این کار رو انجام می‌دین که البته پولس رسول نمی‌گه: «خب چهار تا کار هست که باید انجام بدین»، می‌فهمین که در متنی که پولس ازش تعلیم می‌ده و در این متن، می‌گه که نه تنها شما رو تشویق می‌کنه و پند می‌ده که به شیوه‌ی خاصی زندگی کنین، بلکه هم‌چنین منابعی رو به شما نشون می‌ده که خدا در اختیار شما گذاشته تا با استفاده از اون منابع، شما قادر بشین تا به شیوه‌ای مطلوب، زندگی کنین.

بنابر این من گاهی می‌گم ما در دنیای مسیحی مدرن امروزی، گرایش داریم تا به کتاب مقدس، مراجعه کنیم و بفهمیم چه کار باید بکنیم و بعدش به یک کتاب‌فروشی مسیحی می‌ریم تا کتابی بخریم و ازش یاد بگیریم که چه‌طوری قراره بتونیم اون کار رو انجام بدیم. انتظار نداریم که پاسخ‌های مربوط به چگونگی انجام کاری رو در کتاب مقدس پیدا کنیم، ولی این پرسش‌ها در کتاب مقدس هستن. اگر پرسش‌ها رو بتونیم در کتاب مقدس، پیدا کنیم، پس خیلی هم قابل اعتماد نخواهند بود.

بنابر این می‌گیم: پولس؛ به من یاد بده چه‌طور توسط روح القدس، من می‌تونم کردار جسم رو به مرگ بسپارم. من فکر می‌کنم سه نکته‌ی قابل توجه وجود داره. در اصل، کاملاً درست هم نیستن. یازده مورد هستن که باید بهشون توجه کرد، ولی من می‌خوام تلاش کنم تا اونا رو خلاصه و روی سه موضوع مشخص، تمرکز کنم. اول از همه، امیدوارم ریاضی شما و حساب و کتاب من درست باشه. اول از همه، روح خدا میاد و شروع به آفرینش حس چهار چیز در ما می‌کنه تا بهمون کمک کنه تا گناه رو در زندگی‌های خودمون به مرگ بسپاریم.

نخستین نکته که خیلی هم واضحه، اینه که: ما نیاز به انجام این کار داریم. این یکی از چیزهایی هست که از همون ابتداء رساله‌ی پولس به رومیان، بهش تأکید شده. درسته؟ ما ذاتاً گناه‌کار هستیم. حالا مسیح در ما ساکن هست. اگر مسیح در ما ساکن باشه، قطعاً تناسبی نداره که ما باید به زندگی به شیوه‌ی کهنه، ادامه بدیم. خود این حقیقتی که پولس به ما تعلیم داده، برای ما تأکید می‌کنه که ما باید از شر گناه، خلاص بشیم.

لازمه گناه رو به مرگ بسپاریم. این دومین نکته هست. پولس به ما تعلیم داده و این به‌ویژه در رساله‌ی به رومیان فصل ۶، روشن هست که ما قدرت داریم این کار رو انجام بدیم. تعلیم رساله‌ی پولس به رومیان ۶ رو یادتون میاد؟

پولس می‌گه: "ما با مسیح متحد گشتیم... گناه دیگ بر ما سلطنت نخواهد کرد و در ملکوت تازه، برخیزانیده شده‌ایم، زیر فیض... " و بعدش هم در ادامه، چیز دیگری می‌گه. نمی‌دونم شما تا حالا با این مورد برخورد کردین یا نه که اغلب مسیحیانی رو می‌بینین که احساس می‌کنن گناه، خیلی قوی هست و می‌گن: «من هرگز نخواهم تونست به گناه، غلبه کنم.» پولس تعلیم می‌ده: «دوستان عزیزم، اگر شما مسیحی هستین، پس تسلط گناه بر شما، دیگه مرده. گناه دیگه بر شما سلطنت نمی‌کنه. گناه هنوز در شما وجود داره، ولی چون دیگه زیر سیطره‌ی گناه نیستین، می‌تونین به روح‌القدس، به شیوه‌ای زندگی کنین که همیشه دست رد به سینه‌ی گناه بزنین.»

سوّمین موردی که پولس در این‌جا می‌گه، اینه که درباره‌ی احساسی صحبت می‌کنه که روح‌القدس در ما خلق می‌کنه. این احساس، درحقیقت همون حسّ مسؤولیت ما برای انجام این کار هست. می‌گه: «اگر شما به قدرت روح‌القدس، کردار ناپسند جسم رو به مرگ بسپارین، زنده خواهید موند.» نکته‌ی موضوع رو گرفتین؟ نکته اینه که کار و مأموریت روح‌القدس، مسؤولیت و وظیفه‌ی منو برای اطاعت از خداوند، کاهش نمی‌ده، بلکه بهم توانایی می‌ده تا این مسؤولیت رو انجام بدم.

پولس این موضوعات رو به بیانی دیگ در رساله به فیلیپیان ۲ : ۱۲ و ۱۳، بیان می‌کنه. می‌گه: "... نجات خود را به ترس و لرز به عمل آورید. زیرا خداست که در شما برحسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می‌کند." پس ما باید این کار رو انجام بدیم. ما توانایی انجامش رو به وسیله‌ی روح‌القدس، داریم. ما مسئول انجام این کار هستیم.

و چیز دیگری که می‌خواد، اینه که ما دراصل، خواهان انجام این کار هستیم. یعنی این همون چیزی هست که روح‌القدس در ما می‌آفرینه؛ یعنی اشتیاق و تمایل برای شباهت به مسیح و عدم تمایل به آنچه که در قبل بودیم. پس روح‌القدس در ما حسّ هویت و آنچه را که به انجامش فرا خوانده شدیم، می‌آفرینه. دوّمین کار بزرگی که روح‌القدس انجام می‌ده، اینه که انگیزه‌ای در ما خلق می‌کنه که ما رو راغب به زندگی در پارسایی و در قدوسیّت می‌کنه و تمایل ما رو به زندگی در روش کهنه، از بین می‌بره.

و پولس، این تعلیم رو به رساله به رومیان ۸ : ۱۳، گره می‌زنه و می‌گه: "زیرا اگر برحسب جسم زیست کنید، هرآینه خواهید مرد..." یک اصل بسیار ساده، این‌طور نیست؟ ما دقیقاً چیزی رو برداشت می‌کنیم که کاشته‌ایم. فکری رو می‌کاریم و عملی رو برداشت می‌کنیم. شخصیتی رو می‌کاریم و زندگی رو درو می‌کنیم. زندگی رو می‌کاریم و سرنوشت رو برداشت می‌کنیم.

می‌دونین، اگر شما شبان باشین، حتماً این تجربه رو دارین که گه‌گاه مردم به دفتر شما میان. کنارتون می‌نشینن، درحالی‌که با درماندگی، سرشون رو توی دستانشون گرفتن، چون زندگیشون رو بدجوری خراب کردن. خیلی وقت‌ها این‌طور می‌گن: «نمی‌دونم چی باعث شد که من این کار رو بکنم.» و خیلی خوب نیست که در اون موقعیت، شما هم بهشون بگین چه‌طور اون کار رو انجام دادن.

ولی شما که می‌دونین اونا چه‌طور این کار رو انجام دادن. شما می‌دونین که اونا این کار رو کردن، چون به‌جای این‌که نگاهشون رو به سرنوشت بدوزن، به تجربیات کنونی خودشون توجه داشتن. این یکی از تفاوت‌های برجسته‌ای هست که روح‌القدس، زندگی‌های ما رو تحت تأثیر اون قرار می‌ده. این همون کاری هست که روح‌القدس ما رو به انجام دادنش ترغیب می‌کنه. و البته به‌ویژه وقتی دچار وسوسه می‌شیم، نگاه‌مون به کوتاه مدّت نباشه، بلکه کوتاه مدّت رو در نور بلندمدّت ببینیم و در نور چیزهای بزرگ، به چیزهای کوچک، نگاه کنیم و در نور ابدیت، گناهان خودمون رو ببینیم.

چون پولس به ما تعلیم می‌ده که این همون کاری هست که روح‌القدس باهاش در زندگی ما تأثیر می‌گذاره، در اصل، شیوه‌ی نگاه ما رو به همه چیز، دچار انقلاب و دگرگونی می‌کنه. من زمانی یک همکاری داشتم که در آغاز هر سال تحصیلی با دانش‌جویان تازه‌وارد الاهیات کاربردی که مشتاق یادگیری بودن، وارد کلاس می‌شد و بهشون می‌گفت: «پیش‌از این‌که درس رو شروع کنم و چیزی براتون بگم، می‌خوام بهتون یک تمرین بدم. یک برگ کاغذ سفید بگذارین جلوتون و من از کلاس می‌روم بیرون. می‌خوام شما در عرض ۴۰ دقیقه، آگهی درگذشت خودتون رو برای من بنویسین!»

نه، من که نیومدم دانشکده که بمیرم، و آگهی فوت خودم رو بنویسم. ولی این دوست من این کار رو از اون می‌خواست. داشت بهشون از همون اول یاد می‌داد که همه‌ی الاهیات کاربردی، در نگاه به حال در پرتو نور سرنوشت ابدی شما، خلاصه می‌شه. و این یکی از چیزهایی هست که روح‌القدس، باهاش زندگی ما رو تحت تأثیر قرار می‌ده، یعنی به‌عنوان یک انگیزه که ما چیزهای دیدنی رو در پرتو نور چیزهای نادیدنی نگاه کنیم. زمان رو در نور جاودانگی ببینیم. همه‌ی رفتارهای خودمون رو در پرتو محصول نهایی ببینیم.

این کار روح‌القدس هست. مورد دیگری هم این‌جا هست، یعنی روح‌القدس، انگیزه‌هایی همراه با قدوسیّت، برای ما فراهم می‌کنه و این یک قانون ساده هست که پولس با چهار آیه‌ی نخست از فصل ۸ رساله‌ی به رومیان، صریحاً بیان می‌کنه که مسیح، برای گناهان ما مرد. پس چه‌طور ما

می‌تونیم برای گناهان یا در گناهان، زندگی کنیم؟ یادتون هست عیسی چی فرمود: "وقتی روح‌القدس بیاد، خودش رو جلال نخواهد داد، بلکه منو جلال خواهد داد."

کنار بقیه‌ی چیزها، این یعنی روح خداوند عیسی نور خودش رو بر اون می‌تابه، و به‌ویژه به این حقیقت که عیسی اومد تا برای گناهان من بمیره. و بنابراین، چه‌قدر ناپسند و متناقض خواهد بود اگر عیسی که اومد برای گناهان من بمیره، من برم و با گناهان خودم زندگی کنم. هر بار که من سرسختی نشون می‌دم و لغزش می‌خورم و تصمیم اشتباهی می‌گیرم، دلیلش اینه که من روح‌القدس رو غمگین کردم – کلمات پولس رو در رساله به افسسیان ۴ : ۳۰ به‌یاد بیارین. من علیه کار روح‌القدس، مقاومت کردم و در نتیجه، گفتم: «خداوند عیسی، برام مهم نیست که تو برای گناهان من مردی، من تصمیم گرفتم به این کار، ادامه بدم.»

خب، واقعاً نمی‌شه بهش فکر کرد. این تناقض بزرگی در کار روح‌القدس به‌نظر می‌رسه. این یک انگیزه‌ی عالی برای ماست که شیوه‌ی زندگی گناه‌آلود خودمون رو کنار بگذاریم. و بعدش موضوع دیگری هم هست. روح‌القدس، این احساس رو نسبت به همه چیز، در ما ایجاد می‌کنه. روح‌القدس، این انگیزه‌ها رو برای ما فراهم می‌کنه – هرچه رو که بکاریم، درو می‌کنیم، و اگر برای روح بکاریم، برای زندگی جاودانی برداشت خواهیم کرد.

به صلیب نگاه می‌کنیم و می‌گیم: «عیسی خداوند، اگر تو برای گناهان، مردی، من اونا رو در آغوش نخواهم گرفت.» بعدش، اینه که روح خدا که در شما ساکن هست و شما رو با عیسی مسیح خداوند، متحد می‌کنه، روح قدوسیست هست. ببینین در آیات ۹ تا ۱۱ چی می‌گه: "شما در جسم نیستید بلکه در روح، هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد؛ و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست..."

اگر روح مسیح در شما ساکن نباشه، پس شما مسیحی نیستین. و اگر مسیح در شما است، جسم به‌سبب گناه مرده است و اما روح، به‌سبب عدالت، حیات است. و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، بدن‌های فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است. فکر کنین و ببینین چه روحی در شما ساکن هست. اون روح‌القدس هست که منو با مسیح، متحد می‌کنه.

اجازه بدین با این قطعه از تعلیم پولس در رساله به قرنتیان ۶، کمی شوخی بکنم. این یکی از اون عبارتهایی هست که شخص تقریباً تردید داره که در کلیسا بخونه، چون با چیزهای حساس و آزارنده‌ای سروکار داره. ولی آشفتگی بزرگی در شهر قرنتس، برپا بود، می‌دونین که یک فعل

برپایه‌ی شیوه‌ی زندگی اهالی قرتتس، ساخته شده بود. قرتتیانی کردن یا شدن، به معنای زندگی به روش غیر اخلاقی و بی‌بندوبار در مسائل جنسی بود.

پس وقتی پولس با قرتتیان، صحبت می‌کنه، این موارد برجسته رو داره که بگه. رساله‌ی اول پولس به قرتتیان ۶ : ۱۵ : "آیا نمی‌دانید که بدن‌های شما اعضای مسیح است؟ اگر از آن مسیح هستید؛ هرچه دارید، متعلق به مسیح است. شما روح‌هایی بدون بدن نیستید که مال مسیح هستند. شما به‌عنوان یک موجود، چه در جسم و چه در روح به مسیح تعلق دارید. آیا نمی‌دانید که بدن‌های شما اعضای مسیح هستند؟" و بعدش اینو می‌گه:

چی توی این دنیا سبب شده بود که پولس اون‌طور فکر کنه؟ "پس آیا اعضا مسیح را برداشته، اعضا فاحشه گردانم؟ حاشا! آیا نمی‌دانید که هر که با فاحشه پیوندد، با وی یکتن باشد؟ زیرا می‌گوید هر دو یکتن خواهند بود. لکن کسی که با خداوند پیوندد یک‌روح است. از زنا بگریزید!"

حالا، پولس داره یک قانون برجسته رو برای یک گناه آزارنده، به‌کار می‌بره. اجازه بدین تا جایی که ممکنه، اینو براتون به‌تصویر بکشیم. مثلاً یک مسیحی ایمان‌دار، به فاحشه‌خانه می‌ره و امکان نداره که بگه: «عیسی، تا وقتی من این‌جا هستم، تو از زندگی من برو بیرون!» چون اون با عیسی پیوند خورده. و برای همین، به هر نیت و قصدی که باشه، اون داره پسر خدا رو با خودش به فاحشه‌خانه می‌بره. مبادا چنین فکری به سرتون بزنه.

ولی این دقیقاً همون کاری هست که شما انجام می‌دین. چون هر کس با خداوند، پیوند خورده باشه، با اون یک‌روح هست. رساله‌ی اول پولس به قرتتیان ۶ : ۱۷ : "لکن کسی که با خداوند پیوندد، یک‌روح است." فکر می‌کنم این واژه‌ی روح در این‌جا باید اسم خاص می‌بود. عیسی روح‌القدس خودش رو با ما قسمت می‌کنه. ما شریک در روح عیسی هستیم. و اگر این‌طور باشه و تبدیل به وجدان و یک واقعیت از ضمیر ناخودآگاه در زندگی ما باشه، اون‌وقته که به فیض خدا، روح‌القدس، کار می‌کنه تا به ما کمک کنه از گناه، فرار کنیم و پاک، زندگی کنیم.

پولس می‌گه: "پس اگر از طریق روح‌القدس، کردار ناپسند جسمانی را به مرگ بسپارید، خواهید زیست." عجب چالش دشواری، این‌طور نیست؟ وقتی به گناهان خودمون فکر می‌کنیم، می‌بینیم اونا اشتیاقی هست که به گمراهی کشیده می‌شه، وسوسه‌ها و شاید وسوسه‌ی خاصی باشه که ما باهاش روبه‌رو می‌شیم. ولی وقتی روح‌القدس به ما عیسی خداوند رو نشون می‌ده، و زمانی که روح‌القدس، ذهن‌های ما رو روشن می‌کنه، می‌تونیم به دیگران بگیم: «من با عیسی مسیح



خداوند، پیوند خوردم.» اون وقت خدا توسط روح خودش، انگیزه‌ی برجسته‌ی سپردن گناه به مرگ رو عطا می‌کنه.

امیدوارم به فیض خدا بتونیم در چنین شیوه‌ای از زندگی، رشد کنیم و پیش بریم. بیابین باهم دعا کنیم. «ای پدر ما که در آسمانی، ما به گناه‌آلوده بودن خودمون و به نیاز و سستی و ضعف و روش‌های تسلیم شدن مون به وسوسه، کاملاً آگاهیم. می‌دونیم که قانون جاذبه در درون دل‌های ما عمل می‌کنه. از تو ممنونیم که قوانینی از روح‌القدس وجود دارن که ما رو قادر می‌کنن تا بر این قانون جاذبه، غلبه کنیم و در پاکی زندگی کنیم تا تمجید و افتخار رو به خداوند عیسی مسیح، تقدیم کنیم. دعای ما اینه که تو ما رو به واسطه‌ی فیض خودت مدد فرمایی تا به‌گونه‌ای زندگی کنیم که روح‌القدس تو رو که به اون تا روز رستگاری، مَهر شدیم، محزون نکنیم. این دعا رو در نام عیسی به درگاہت می‌اریم. آمین.»